مروری بر اقدامات عمرانی و اقتصادی صورت گرفته در مشهد عصر صفوی

۲۳۵ سال سناباد

هما سعادتمند
h.saadatmand@shahraranews.ir

مشهد در هر دوره و عصر، تاریخی شنیدنی دارد. این شهر در دوران حکومت دو قرن‌ونیمی صفویان، محل تاخت‌وتاز اقوام بیگانه بوده است، از همین‌رو شرح ویرانی‌هایش بسیار است اما دستش از دامان آبادانی هم کوتاه نبوده است، زیرا در کنار همه این نابسامانی‌های سیاسی، رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، اقدامی بوده است که مسیر آباد شدن و مرکزیت یافتن مشهد به‌عنوان شهری مذهبی را هموار می‌کند. درواقع مشهد با روی کار آمدن صفویان است که به مشهدالرضا(ع) تبدیل و نقطه پرگارِ دایره اهل دل می‌شود. سالروز درگذشت شاه‌اسماعیل اوّل صفوی، بهانه‌ای شد تا در سطرهای پیش‌رو به اوضاع مشهد در این عصر بپردازیم.

صفویان و رونق اقتصادی مشهد

«مسیو فریزر» اسکاتلندی در سفرنامه‌اش به این نکته اشاره می‌کند که: «تا ابتدای سلطنت صفویه، مرقد مطهر حضرت رضا(ع) زیارتگاه بزرگی نشده بود اما بعد از آن از آنجاکه سلاطین این حکومت به مذهب خود بسیار متعصب بوده و در اعتلای شعائر مذهبی خود کمال سعی را می‌نموده‌اند، بارها به مشهد آمده، کمر به همت و آبادی این شهر می‌بندند، از این‌رو عمارت‌های اینجا رو به فزونی نهاده، اهالی از اطراف به مشهد نقل مکان کرده، در اینجا سکنا می‌گزینند.» در این دوره علاوه‌بر آبادانی تدریجی شهر، راه‌های تجاری هم گسترش پیدا می‌کنند تا در ادامه مشهد سوای اینکه شهری مذهبی است، به یکی از شاه‌راه‌های اقتصادی ایران هم تبدیل شود، آن‌چنان که بنا بر نوشته سیاحان خارجی، بازارهای مشهد به آیینه جهان‌نمای زنده‌ای از ملل مختلف شرق تبدیل می‌شود. «تامسون» در این باره می‌نویسد: «در مواقع صلح در مشهد همه‌روزه کاروان‌هایی از بخارا و بلخ و بدخشان و قندهار و هند وارد می‌شوند و بیش از ۹۰ کاروانسرا در مشهد وجود دارد و بازارهای آن بسیار غنی و دلباز هستند.» براساس این اسناد، پشم، قماش رنگارنگ و پوست و گوشت دامی از مهم‌ترین محصولات خراسان در این دوره بوده‌اند که جنبه صادراتی هم داشته‌اند.

همچنین شاید برایتان جالب باشد که بدانید فیروزه خراسان و معادن آن در عصر صفویان، کشف می‌شود و به بهره‌برداری می‌رسد. بیشتر سیاحان این دوره، فیروزه مشهد را نامدارترین تولیدات معدنی خراسان می‌دانند. «تاورنیه» استخراج این سنگ قیمتی را در چهارمنزلی مشهد از کوهی به نام فیروزکوه می‌نویسد.

صفویان و عمران و آبادی شهر

علاوه‌بر رونق اقتصادی، صفویان در مشهد دست به اقدامات عمرانی می‌زنند که زندگی در مشهد را به زندگی در شهری پیشرفته در آن روزگار بدل می‌کند. نخستین اقدام صفویان در این دوره، ساختن برج‌وبارو گرداگرد شهر است. ازآنجاکه مشهدِ این روزگار مدام هدف تاخت‌وتاز ازبک‌ها و دیگر اقوام همسایه قرار می‌گرفته، سلاطین صفوی برای افزایش امنیت دفاعی شهر، بارویی مستحکم برای آن می‌سازند که بقایای آن تا زمان معاصر پابرجا بود. این بارو همچنین سبب شد گسترش کالبدی شهر مشهد، محدود شود و شکلی مانا به خود بگیرد. پیدایش محلات بزرگ، دروازه‌ها و احداث خیابان در دل مشهد، از دیگر اقداماتی است که در این دوره به سرانجام می‌رسد.

البته با گسترش شهر و افزایش جمعیت و آمدوشد کاروان‌های تجاری و رونق سفرهای زیارتی، مشهد به‌مرور در این دوران با مشکل کمبود آب روبه‌رو می‌شود اما سلاطین صفوی اجازه نمی‌دهند این موضوع آبادانی مشهد را تهدید کند. شاه‌عباس صفوی برای رفع این مشکل تصمیم می‌گیرد آب چشمه گل‌اسب را که پیش‌تر به اهتمام امیرعلی‌شیر نوایی به مشهد منتقل شده بود، با احداث گذرگاهی عریض در دل شهر مشهد به جریان اندازد که بعدها به نهر بالاخیابان معروف شد.

او همچنین سال‌ها بعد، پس از سرکوبی ازبک‌ها به خراسان می‌آید و وقتی می‌بیند این قوم همه طلاها و وسایل باارزش حرم مطهر رضوی را غارت کرده‌اند، تصمیم می‌گیرد چندی در شهر بماند و تعمیر و مرمت ابنیه آستان قدس رضوی را به سرانجام برساند. او زمستان سال ۹۷۳ شمسی پس از نصب دو در مرصع به جواهرات، در حرم، به اصفهان بازمی‌گردد. از دیگر اقدامات شاه‌عباس صفوی در این دوره، بازگرداندن قطعه الماس باارزشی است که پیش‌تر عبدالمومن‌خان ازبک از حرم مطهر رضوی ربوده بود. طبق مکتوبات تاریخی، در سال ۹۸۰ شمسی یار محمدمیرزا که از شاهزادگان ازبک بود، در اصفهان به خدمت شاه‌عباس می‌رسد و الماس گران‌بهایی را به او پیشکش می‌کند. همان هنگام معلوم می‌شود که این الماس از نذور سرکار فیض‌آثار بوده که در هجوم عبدالمومن‌خان ازبک به دست آن‌ها افتاده است. شاه‌عباس صفوی الماس را برداشته، پس از فتوای علمای دین، آن را می‌فروشد و از پول آن چند قطعه ملک مرغوب می‌خرد و آن‌ها را وقف روضه منوره رضوی می‌کند. او همچنین به تعمیرات اساسی در حرم مطهر دست می‌زند و صحن را توسعه می‌دهد. بنای مدارس دینی در اطراف حرم، طلاکاری گنبد مطهر، مرمت مزار خواجه‌ربیع و تعمیر عمارت قدمگاه نیشابور، از دیگر کارهای شاهان صفوی برای توسعه و آبادانی مشهد است.

منبع: کتاب مشهد از نگاه سیاحان، انتشارات آستان قدس رضوی، تاریخ مشهد از احمد ماهوان، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، تالیف سیدمهدی سیدی‌فرخد

خاطرات پریده از کبوترخانه

روایت‌هایی خاطره‌انگیز از سازه‌های تاریخی مشهد که خانه کبوتران بوده است

غلامرضا آذری‌خاکستر

گزارش

پرنده‌ها سیر تاریخی درخورتوجهی دارند. نحوه مهاجرت و مکان‌هایی که به آن‌ها اختصاص دارد، طی قرون متمادی تغییروتحول یافته است. گزارش‌های منابع تاریخی، حاکی از آن است که در شهر مشهد، پرنده‌ها در فصول مختلف حضور داشتند و حتی شکار این پرنده‌ها بخشی از سرگرمی مردمان قدیم را تشکیل می‌داده است. با گسترش شهرنشینی و تبدیل باغات به اراضی مسکونی، شاهد کوچ یا مهاجرت پرندگان از مناطق شهری به دیگر نواحی هستیم. هرچند مشهد با کبوترها شناخته می‌شده، دربین گزارش اسناد تاریخی، این موضوع کمتر موردتوجه واقع شده است. در این نوشتار، نگاهی گذرا به نخستین برج کبوترخان در مشهد و پرندگان این شهر انداخته‌ایم.

«برج‌های کبوترخان یکی از سازه‌های تاریخی است که کارکردهای درخورتوجهی داشته است. این بناهای اعجاب‌برانگیز پراکنده در دشت‌ها، درحقیقت خانه کبوتران بودند؛ برج‌هایی که هزاران هزار کبوتر را در دل خود پناه می‌دادند. زارعان با ساخت برج‌های کبوترخان هم مأمن و مسکنی برای کبوتران فراهم می‌کردند و هم فضله این پرندگان را که بهترین کود برای باروری زمین و حاصل‌خیزی خاک به‌خصوص در مزارع کاشت صیفی‌جات است، دراختیار می‌گرفتند.»[۱]

اغلب برج‌های کبوترخان در نواحی اصفهان، یزد، گلپایگان و... تاسیس شده‌است و این سازه‌ها در گزارش‌های تاریخی و خاطرات سیاحان مختلف نیز ثبت شده‌اند. شاردن، سیاح فرانسوی دوره صفویه، درباره کبوتر و کبوترخان نوشته است: «در کلیه نواحی امپراتوری ایران، کبوترهای اهلی و وحشی وجود دارد، ولی کبوتر وحشی به مقدار بسیار زیاد مشاهده می‌شود و چون فضله این پرنده برای خربزه‌زار، کود بسیار خوبی به‌شمار می‌رود، در سرتاسر کشور با مواظبت و دقت شایان توجهی، تعداد عظیمی کبوتر پرورش داده می‌شود. این کفترخان‌های عظیم شش‌بار بزرگ‌تر از بزرگ‌ترین پرورشگاه‌های ماست. این‌ها را از آجر بنا می‌کنند و رویش گچ و آهک می‌کشند و در تمام سطوح داخلی دیواره بنا از بالا به پایین، سوراخ‌هایی احداث می‌کنند تا کبوتران در آن‌ها آشیانه نمایند.»[۲]

همچنین فرد ریچاردز انگلیسی در سفرنامه‌اش به کبوترخان‌های اصفهان اشاره کرده و در این زمینه اطلاعات مفیدی منتشر کرده است. در بخشی از این سفرنامه آمده است: «یکی از برجسته‌ترین و شگفت‌انگیزترین چیزها در حول‌وحوش اصفهان، برج‌های گرد و بلندی است که قسمت فوقانی آن‌ها دارای طرح‌های زیبا و دل‌انگیزی می‌باشد. این‌ها شبیه برج‌های گرد قرون وسطی در انگلستان است، با این تفاوت که در بالای آن‌ها اغلب دو یا سه برج یا مناره مشابه دیده می‌شود که به‌ترتیب هریک از دیگری کوچک‌تر می‌گردد تا هنگامی که اندازه مرتفع‌ترین آن‌ها به ۶۰ یا ۷۰ پا می‌رسد. در زمان شاه‌عباس، پرورش‌دهندگان خربزه‌های مرغوب برای این کار متحمل مخارج زیادی می‌شدند. داخل این برج‌ها مرکب از حجره‌های کوچکی است که کبوتران آشیانه‌های خود را در آنجا می‌سازند و درحدود ۵ تا ۶هزار حجره در این برج‌ها موجود است که در هریک از آن‌ها یک جفت کبوتر جفت‌گیری می‌کنند.»[۳] «اصفهان برای کبوتران در حکم ارض موعود است. برای این کار نیز محل‌های مخصوصی به شکل برج‌های مرتفع به رنگ سفید ساخته‌اند که در سراسر ایالت پراکنده است و از آن‌ها بیشتر از هر بنای دیگری مواظبت می‌کنند.»[۴]

> صیادان دام‌های خود را می‌گسترانند و بلدرچین‌ها را صید می‌کنند. و سپس در بازار به بهای هر شش عدد، یک قران می‌فروشند

سابقه برج‌های کبوترخانه در شهر مشهد به دوره صفویه و سال ۱۰۱۷ قمری می‌رسد. بنا بر محتوای اسناد به دستور شاه‌عباس اول، برج کبوترخان در باغ پایین‌پا ایجاد می‌شود و حدود ۵۱ تومان هزینه آن برآورد شده است. عمارت برج کبوترخان که حسب‌الحکم جهان مطاع آفتاب‌ارتفاع در باغ پایین‌پای مبارک ساخته می‌شود، قطر ۱۲ ذرع مشتمل بر ۵ صفحه در دومرتبه که در هر صفه طاقی بسته شود، و میان برج به طلا کتیبه نوشته شود و قبه بزرگ درمیان بام برج و قبه کوچک در اطراف به گچ تبادکانی و حجره اطراف تحت تخته برداشته و فرش‌بام خشت تخته کرده شد و بیرون برج درکل تخت نخل کرده شد و درون برج به کاهگل اندود شود. از قرار برآورد حاجی‌الحرمین شریفین توفیق آثاری حاجی‌صدر معمار سوای هفت ذرع کوبه از برنج که بیلداران مرسوم حداد سرکار فیض‌آثار می‌ریزند.[۵] «بنابر محتوای این سند، حدود ۱۶۴ هزار خشت در این بنا کاربرد داشته و طول آن ۱۸ ذرع و ارتفاع آن ۱۰ ذرع قید شده است».[۶]

مولف سفرنامه «از خراسان تا بختیاری» نیز با اشاره به کبوتران مشهد در دروازه‌های شهر نوشته است: «دروازه شهر مقدس مشهد دارای یک در بزرگ تاریخی است که از طرفین به حصاری که دورادور شهر کشیده شده، متصل است. این حصار دفاعی که جابه‌جا کنگره‌هایی در بالای آن دیده می‌شود، اکنون منزلگاه کبوتران است. این کبوتران در داخل شهر احترامی دارند و کسی به آن‌ها آزار نمی‌رساند. اهالی شهر اذیت رساندن به آن‌ها را گناه می‌دانند ولی باید دانست که این احترام، مادامی نسبت‌به آن‌ها مراعات می‌شود که در داخل شهر باشند و به‌محض اینکه از شهر خارج شدند، دیگر احترامی ندارند و مردم آن‌ها را مانند سایر طیور صحرایی شکار می‌کنند.» [۷] برج‌های کبوترخان به‌مرور زمان و بنا به‌دلایلی ازجمله شکار کبوتران، خشک‌سالی‌ها و... از بین رفته‌اند.

نویسنده سفرنامه خراسان و سیستان ضمن توصیف مشهد در دوره قاجار، در بخشی از نوشتارش به پرنده‌های مشهد توجه کرده است: «فصل بهار در مشهد بسیار دل‌انگیز است. به نظر می‌رسد که تمامی منطقه شکفته می‌شود و مرغان و پرندگان از هر نوع شروع به تولیدمثل می‌کنند. پرنده‌هایی که ایرانیان آن‌ها را کلاغ سبز می‌نامند، در دسته‌هایی چندصدتایی کناره‌های

مروری بر معرفی چند باغ معروف در مشهد قدیم

باغ‌های خاطره‌انگیز مشهد

طوبی اردلان

تابستان داغ این روزها، آدم خسته از شهر دودگرفته و ملول‌مانده از ترافیک راه‌ها و صداها را در حسرت کنج فراغتی و نشستن زیر خنکای سایه درختی، نگاه داشته است، بی‌خبر از اینکه بداند روزی همین شهر بی‌مرزِ پرصدا، شهر باغ‌های همیشه‌بهاری بوده است که چتر سبز درختانش، سایه‌گستر عابران و رهگذران عرق‌ریخته از هُرم آفتاب بوده‌اند. طبق اسناد برجای‌مانده، در مشهد قدیم حداقل ۱۲ باغ بزرگ معروف وجود داشته که تفرجگاه زائران و مجاوران بوده است.

باغ‌های ایرانی

به نوشته دکتر رهنما در کتاب «وجه‌تسمیه محلات مشهد»، باغ در ایران سابقه‌ای طولانی داشته و در همه دوره‌ها به‌ویژه دوره اسلامی مورد توجه بوده است. این باغ‌ها چند عملکرد داشتند که برخی از آن‌ها با هدف مصرف عمومی و به‌عنوان باغ‌های عمومی و وقفی ایجاد می‌شده‌اند، زیرا در دین اسلام، کاشتن درخت پسندیده بوده و از بین بردن و قطع بیجای آن نکوهش می‌شده است.

مشهد و باغ‌های زیبایش

در شهر مشهد به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و برخورداری از منابع آب زیرزمینی فراوان مانند «قنات رکن‌آباد»، «الندشت»، «تقی‌آباد»، «آبکوه»، «سناباد» و دیگر قنات‌ها، باغ‌های زیادی وجود داشته است که قدیمی‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها، همان باغ مقر والی خراسان یعنی «حمیدبن‌قَحطبه» بوده که اکنون محل آستان مقدس حضرت رضا(ع) است. تا اوایل قرن حاضر حدود ۱۲ باغ در شهر وجود داشته، تاآنجاکه حتی محله چهارباغ مشهد نام خود را از چهار باغ که در پیرامون آن قرار داشته، گرفته است.

باغ‌های عمومی

در مشهد باغ‌ها به دو صورت عمومی و خصوصی بوده‌اند. باغ‌های خصوصی بیشتر به افراد سرشناس تعلق داشته و اسم آن هم از نام مالکش گرفته می‌شده است. در مقابل باغ‌های عمومی متناسب با شرایط محل نام‌گذاری می‌شده‌اند و کارکردهای متعددی داشته‌اند. به‌عنوان مثال باغ عنبر یکی از باغ‌های معروف مشهد علاوه‌بر سرسبزی، محل دفن اموات و بزرگان علم و ادب نیز بوده یا باغ هشت‌آباد به علت اینکه دارای هشت در بوده، به این نام معروف شده است.

«هانری‌رنه» نویسنده آلمانی که در سال ۱۹۰۷ میلادی به ایران آمده و از خراسان دیدن کرده، در سفرنامه خود درباره باغ‌های شهر مشهد چنین نوشته است: «در محلات خارج شهر باغ‌های زیادی دیده می‌شود که به اعیان و توانگران تعلق دارد. اغلب این باغ‌ها سردر مجللی دارد که با حاشیه‌های الوان مزین شده است.»

درواقع در مشهد پیش از دوره پهلوی فضاهای سبز عمومی، به درختکاری‌های حاشیه نهرها مانند فضای سبز حاشیه نهر معروف بالاخیابان محدود بوده است و بیشتر باغ‌ها و فضاهای سبز، خصوصی بوده‌اند. تنها فضای سبزی که جنبه عمومی داشته و بعدها ایجاد می‌شود و هم‌اکنون باقی است، باغ ملی است که به وسیله حاج‌حسین‌آقا ملک برای استفاده عموم شهروندان احداث گردیده است. سایر باغات مشهد یا تخریب شده‌اند یا به کاربری‌های دیگری اختصاص یافته‌اند

مشاهیر

مبارزی از خراسان

حجت‌الاسلام حاج‌شیخ‌حسن کافی خراسانی که پای کرسی درس شیخ‌هاشم قزوینی و محمدتقی ادیب‌نیشابوری شاگردی کرده، زاده سال ۱۳۰۷ شمسی(۱۳۴۷ق) در مشهد است. او پس از پایان دوره تحصیل، راهی نجف اشرف می‌شود تا با ادامه کسب علم در این دیار خود را در ردیف عالمان دین قرار دهد. شیخ‌حسن کافی چند سال بعد به زادگاهش بازمی‌گردد و از آنجاکه بازگشت او به مشهد مقارن با جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران است، به‌نمایندگی از آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی، مامور می‌شود تا حقایق این اتفاق را در مساجد برای مردم روشن کند. سخنرانی‌های او بر ضد حکومت در دهه ۴۰ با واکنش رژیم و درنتیجه تهدید ساواک روبه‌رو می‌شود، آن‌چنان که شیخ‌حسن کافی را به مهاجرتی اجباری وادار می‌کند. او پس از این راهی پایتخت شده، تلاش می‌کند با تالیف کتب دینی و امام‌جماعتی یکی از مساجد پایتخت، گذران روزگار کند اما دست از مبارزه برنمی‌دارد. حمایت او از امام‌خمینی و مبارزه آشکارش با حکومت پهلوی در سخنرانی‌های باقی‌مانده از او در مساجد پایتخت، مشهود است. او به همین دلایل در دهه ۴۰، چندین بار محنت زندان می‌کشد و از شکنجه ساواک زخم‌ها به یادگار می‌برد. سختی‌های این چهره عالم خراسانی با پیروزی انقلاب به ثمر می‌نشیند اما تمام نمی‌شود. طبق اسناد تاریخی، او در دهه ۶۰ یکی از گزینه‌های منافقان برای ترور است که این سوءقصد بی‌نتیجه می‌ماند. از این خطیب مبارز آثاری نیز بر جای مانده است که تعالیم امام‌حسن مجتبی(ع)، تعالیم امام هفتم(ع) در دعا و حدیث، امام‌رضا(ع)؛ اسوه صراط مستقیم و تعالیم پیامبر اکرم، حضرت محمد(ص) از آن جمله‌اند. شیخ‌حسن کافی در ۲۴ ذی‌القعده ۱۴۲۱ (بهمن ۱۳۷۹)، رخ در نقاب خاک کشید.

خبر سوخته

قتل در قلعه برزلی

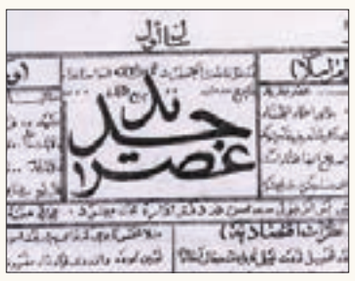

حبس قاتل. شیروان. مقتول شدن آدینه دولت نام که عرض شده بود از قرار استنطاق که به عمل آمده قاتل حضرت قلی‌نام دره‌جزی بوده فعلا او را محبوس نموده‌اند. قتل. شیروان. از قراری که شنیده می‌شود و نایب‌الحکومه به حکومت قوچان تلگراف کرده خدونام معروف در قلعه برزلی یک نفر را به قتل رسانده است. در مشهد. ایالت و پیشکار کل همه روزه به امورات ایالتی رسیدگی می‌نماید.

چند روز است اداره مالیه برای تربیت و اجرای بودجه جدید کمیسیونی تشکیل داده و روز گذشته خاتمه یافت. اشخاصی که باید خارج شوند و از حقوق محروم نمایند به آن‌ها اعلان کرده‌اند و نیز تولیت آستانه مقدسه رضوی(ع) شروع به تعمیر صحن عتیق کرده‌اند. سایر ادارات هریک به وظایف و کارهای مرجوعه خود اشتغال دارند. تلگراف داخله مورخه ۲۳ و ۲۴ ذیقعده، ریاست نظمیه مشهد. مشهد ۲۹ سنبله. از قرار مسموع سالار نصرت رئیس نظمیه استعفا داده و امروز مصدق‌الدوله را به ریاست نظمیه خراسان برقرار کردند. چند نفر زوار یزدی که از مشهد مراجعت به یزد می‌کرده‌اند، در راه سارقین آن‌ها را لخت کرده، برای تظلم به مشهد مراجعت نموده‌اند. ازطرف ایالت تلگرافاتی به حکومت تربت و غیره در دستگیری سارقین شده است. روزنامه عصر جدید/سال ۳، شماره ۲۵/۹، ذی‌القعده ۱۳۳۴ق

منبع: اخبار خراسان، تالیف سیدمهدی سیدقطبی

پی‌نوشت: برزلی روستایی است تاریخی در دهستان گلیان که می‌شود ۳۵ کیلومتری شهرستان شیروان.